

ئه‌نداز نامه

ANDAZ CHRONICLE

Discover the legacy
Shape the Future: A
Journey of Transformation



سفری در دل تاریخ و سنت‌ها
از پندار نیک تا کردار نیک؛ غنای زرتشتی در دنیای مدرن

شماره ۱ – اردیبهشت ۱۴۰۵

نویسنده: انداز حویزی
انجمن زرتشتیان کردستان

پیشگفتار

به مجله‌ای خوش آمدید که پلی میان حکمت کهن و انسان معاصر می‌سازد. هر دو ماه یکبار، به کاوش در فلسفه‌ی ژرف، فرهنگ غنی و سنت‌های زنده‌ی زرتشتی می‌پردازیم. به معنای جشن‌ها، زیست اخلاقی در جهانی پیچیده، و ریشه‌های کهنی می‌نگریم که فراتر از مرزهای جغرافیایی امتداد یافته‌اند. با انتشار به زبان‌های سوئدی، انگلیسی، کردی، عربی، فارسی و ترکی، بستری برای گفت‌وگو و بینش برای جامعه‌ای جهانی فراهم می‌کنیم.

کشف کن. درک کن. خوب زندگی کن.

این شماره

نخستین پرسشی که باید به آن پاسخ داده شود این است: چرا زرتشتی‌گری؟ این موضوع محوری است که در بخش نخست، از طریق سه مقاله، به آن خواهیم پرداخت:

- 1 - دین، عبادت، فرقه و طریقت، ص ۳
یک چارچوب مفهومی و کاربرد آن در تاریخ دینی کردها.
- 2 - زرتشتی‌گری در نسبت با خاورمیانه، ص ۷
نوسازی گفتمان دینی در خاورمیانه: میراث انسانی زرتشتی‌گری و بنیان‌های دولت مدنی
- 3 - زرتشتی‌گری و هویت کردی: دین عامیانه و آگاهی تاریخی، ص ۹

”این نشریه به چندین زبان منتشر می‌شود .
اگر می‌خواهید اشتراک تهیه کنید یا شماره‌های آینده را دریافت نمایید، ایمیلی به آدرس زیر بفرستید :
(kza110111@gmail.com)
زبان(هایی) که ترجیح می‌دهید را مشخص کنید

دین، عبادت، فرقه و طریقت یک چارچوب مفهومی و کاربرد آن در تاریخ دینی کردها

چکیده

این مقاله چارچوبی تحلیلی برای تمایز میان چهار سطح از پدیده‌های دینی ارائه می‌دهد: **دین، عبادت، فرقه و طریقت**. رویکرد مقاله ترکیبی است و از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی و نمادین در مطالعه دین بهره می‌گیرد. این چارچوب بر تاریخ دینی کردها تطبیق داده می‌شود تا طبقه‌بندی دقیق‌تری از اشکال دینی آن ارائه گردد؛ به‌گونه‌ای که نظام‌های دینی جامع از شاخه‌های اعتقادی، جوامع دینی قوم‌مذهبی، و کنش‌های آیینی تفکیک شوند.

نتیجه مقاله آن است که مفهوم «دین» در معنای نظام‌مند و جامع آن، عمدتاً بر زرتشتی‌گری و اسلام در بستر تاریخی کردها قابل اطلاق است، در حالی که ایزدی‌گری، یارسانی و علوی‌گری کردی بیشتر در قالب **طریقت‌های قوم‌مذهبی** قابل فهم‌اند. در مقابل، مکاتب فقهی و کلامی در درون اسلام کردی نمونه‌ای از «فرقه» هستند، و مناسک محلی در سطح «عبادت» قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: دین، عبادت، فرقه، طریقت، تاریخ دینی کردها، زرتشتی‌گری، اسلام، ایزدی‌گری

مقدمه نظری: تعریف دین در مطالعات دین‌شناسی جدید

تعریف دین یکی از پیچیده‌ترین مسائل در مطالعات دین است، زیرا رویکردهای نظری متعددی برای تبیین این پدیده وجود دارد. در این میان سه رویکرد اصلی نقش بنیادین در شکل‌گیری فهم علمی معاصر از دین داشته‌اند.

۱. رویکرد ماهوی به دین

رویکرد ماهوی بر نسبت دین با امر قدسی یا متعالی تمرکز دارد. یکی از مهم‌ترین تعاریف در این حوزه متعلق به **امیل دورکیم** است که دین را نظامی یکپارچه از باورها و اعمال مرتبط با امور مقدس می‌داند که جامعه‌ای اخلاقی را در قالب یک کل واحد متحد می‌سازد. این تعریف بر نقش اجتماعی دین به عنوان سازوکار تولید همبستگی جمعی تأکید دارد.

۲. رویکرد کارکردی به دین

ماکس وبر دین را از منظر کارکردی تحلیل می‌کند و آن را نظامی می‌داند که به جهان معنا می‌بخشد و کنش اجتماعی را جهت‌دهی می‌کند و در شکل‌گیری ساختارهای اقتصادی، اخلاقی و سیاسی نقش دارد. در این دیدگاه، دین یکی از منابع اصلی تولید معنا و مشروعیت اجتماعی است.

۳. رویکرد نمادین-تفسیری

کلیفورد گیرتز دین را نظامی از نمادهای فرهنگی می‌داند که از طریق ایجاد تصورات منسجم از نظم کلی هستی، واقعیت جهان را معنادار می‌سازد. در این رویکرد، دین به عنوان نظامی فرهنگی برای تولید معنا فهم می‌شود.

۴. تعریف ترکیبی دین

بر اساس این رویکردها، دین را می‌توان چنین تعریف کرد:

نظامی جامع از باورها، نمادها و ساختارهای هنجاری با مرجعیتی متعالی که رابطه انسان با امر قدسی، جهان و جامعه را تنظیم کرده و چارچوبی منسجم برای معنا، هویت و رفتار فراهم می‌کند. این تعریف مبنای تمایز مفهومی این مقاله میان دین، عبادت، فرقه و طریقت است.

چارچوب مفهومی: تمایز دین، عبادت، فرقه و طریقت

تمایز میان این چهار مفهوم برای فهم ساختار پیچیده پدیده‌های دینی ضروری است.

۱. دین

دین نظامی جامع است که شامل:

عقیده

شریعت

اخلاق

آیین‌ها

جهانبینی

تصور هستی و سرنوشت

می‌شود و معمولاً توان سازمان‌دهی زندگی فردی و جمعی را در سطحی کلان دارد.

۲. عبادت

عبادت به بُعد آیینی و مناسکی رابطه با امر مقدس اشاره دارد و شامل:

نماز

دعا

قربانی

زیارت

جشن‌های دینی

مراسم جمعی

است. عبادت نظام دینی مستقل نیست، بلکه بُعد اجرایی دین محسوب می‌شود.

۳. فرقه

فرقه، شاخه‌ای اعتقادی درون یک دین بزرگ‌تر است که تفسیر خاصی از متن، عقیده یا مرجعیت دینی ارائه می‌دهد، بدون آنکه از چارچوب دین مادر خارج شود.

ویژگی‌های فرقه:

تفاوت اعتقادی جزئی

وابستگی به دین اصلی

وجود سنت فکری خاص

امکان گسترش فراتر از یک گروه قومی

۴. طریقت (جماعت قوم‌مذهبی)

طریقت در این مقاله به معنای یک جماعت دینی نسبتاً بسته با هویت قومی-تاریخی خاص است که پیوند میان دین و هویت جمعی در آن بسیار قوی است.

ویژگی‌ها:

وراثت دینی
انسداد اجتماعی نسبی
محدودیت جغرافیایی
محوریت آیین‌ها و نمادها
پیوند با هویت جمعی
این اصطلاح نه ارزش‌گذاری، بلکه توصیف ساختاری است.

۵. رابطه ساختاری میان مفاهیم

رابطه این مفاهیم به صورت سلسله‌مراتبی قابل تبیین است:

دین ← چارچوب کلان
فرقه ← شاخه اعتقادی درون دین
طریقت ← جماعت قوم‌مذهبی
عبادت ← سطح آیینی مشترک

کاربرد در تاریخ دینی کردها

۱. زرتشتی‌گری به عنوان دین

زرتشتی‌گری یکی از نمونه‌های برجسته دین نظام‌مند در جهان ایران باستان است که شامل:

جهان‌بینی اخلاقی

متون مقدس

نظام آیینی

دوگانه‌انگاری اخلاقی

ساختار تمدنی-سیاسی

می‌باشد و نقش مهمی در تاریخ دینی ایران و کردها داشته است.

۲. اسلام به عنوان دین

اسلام نظامی جامع شامل:

متن مقدس

عقیده

شریعت

اخلاق

جهان‌بینی

است که از دوران آغازین اسلام، چارچوب دینی غالب در جامعه کردی بوده است، به‌ویژه در قالب سنت شافعی.

۳. فرقه‌ها در اسلام کردی

در درون اسلام کردی، فرقه‌های مختلفی وجود داشته‌اند، از جمله:

شافعی

حنفی

شیعه

طریقت‌های صوفی

این‌ها شاخه‌های اعتقادی درون اسلام هستند، نه ادیان مستقل.

۴. طریقت‌های قوم‌مذهبی در جامعه کردی

ایزدی‌گری، یارسانی و علوی‌گری کردی نمونه‌هایی از طریقت‌های قوم‌مذهبی هستند که دارای ساختارهای نمادین و آیینی خاص‌اند.

ویژگی‌ها:

انسداد نسبی اجتماعی

انتقال شفاهی سنت

پیوند شدید با هویت جمعی

محدودیت گسترش

تکوین تاریخی در بستر اسلامی

۵. عبادت در تاریخ دینی کردها

عبادت در اشکال مختلفی ظاهر می‌شود، از جمله:

زیارت اماکن مقدس

مراسم آیینی

جشن‌های مذهبی

ذکر و دعا

آیین‌های محلی

این سطح مشترک میان همه اشکال دینی است.

یادداشت روش‌شناختی

این مقاله از مفاهیم دین، عبادت، فرقه و طریقت به عنوان ابزارهای تحلیلی در جامعه‌شناسی دین استفاده می‌کند و هدف آن داوری ارزشی یا الهیاتی درباره این سنت‌ها نیست، بلکه صرفاً تحلیل ساختاری جایگاه آن‌ها در تاریخ دینی کردها است.

نتیجه‌گیری

بر اساس این چارچوب مفهومی:

زرتشتی‌گری و اسلام به عنوان نظام‌های دینی جامع شناخته می‌شوند.

مکاتب فقهی و کلامی در اسلام، فرقه‌های دینی را تشکیل می‌دهند.

ایزدی‌گری، یارسانی و علوی‌گری کردی طریقت‌های قوم‌مذهبی‌اند.

مناسک محلی سطح عبادت را تشکیل می‌دهند.

این چارچوب امکان تحلیل دقیق‌تر تنوع دینی در تاریخ کردها و فهم ساختار لایه‌لایه دین در این جامعه را فراهم می‌سازد.

زرتشتی‌گری در نسبت با خاورمیانه نوسازی گفتمان دینی در خاورمیانه: میراث انسانی زرتشتی‌گری و بنیان‌های دولت مدنی

فرضیه پژوهش

جهان اسلام نمی‌تواند زرتشتی‌گری را به‌عنوان دینی جایگزین برای اسلام بپذیرد؛ با این حال، می‌تواند از آنچه می‌توان «الگوی گشودگی زرتشتی» نامید الهام گیرد و از برخی ابعاد اخلاقی و انسانی آن، به‌عنوان بخشی از حافظه مشترک تمدنی منطقه، بهره‌مند شود. چنین رویکردی می‌تواند به تقویت مسیرهای نوسازی گفتمان دینی از درون بستر فرهنگی بومی خود منطقه یاری رساند. در این چارچوب، آنچه می‌توان «الگوی گشودگی زرتشتی» نامید، قابل فهم به‌مثابه یک چارچوب تمدنی است که بر محوریت مسئولیت فردی، تقویت نقش عقل در فهم ایمان، امکان تمایز میان حوزه معنوی و اقتدار سیاسی، احترام به تکثر، و وجود نمونه‌های نسبتاً زود هنگام از مشارکت زنان در عرصه‌های دینی و اجتماعی استوار است. این عناصر نه به‌عنوان مدلی جایگزین، بلکه به‌مثابه زمینه‌ای اخلاقی قابل توجه‌اند که می‌توانند در شکل‌گیری گفتمان دینی معاصر، سازگارتر با الزامات دولت مدنی مدرن، نقش ایفا کنند.

نوسازی گفتمان دینی در چارچوب تداوم فرهنگی

بررسی واقعیت فرهنگی خاورمیانه نشان می‌دهد که محدودیت در پذیرش تکثر دینی و حقوق اقلیت‌ها صرفاً به عوامل سیاسی محدود نمی‌شود، بلکه با الگوهای فرهنگی تاریخی دیرپایی نیز مرتبط است که در شکل‌دهی رابطه میان دین، قدرت و جامعه نقش داشته‌اند. این الگوها همچنین در محدود شدن نقش عقل فردی در عرصه عمومی و در تثبیت گرایش‌های طردکننده نسبت به دیگری قومی، دینی یا مذهبی سهم داشته‌اند.

در چنین زمینه‌ای، بخشی از پروژه‌های اصلاح سکولار در منطقه به‌صورت گفتمان‌هایی جدا از ساختار نمادین بومی شکل گرفته‌اند؛ امری که توانایی آن‌ها را برای تحقق دگرگونی اجتماعی پایدار محدود کرده است. از این‌رو، به نظر می‌رسد مسیر واقع‌بینانه‌تر امروز نه حذف دین از عرصه عمومی، بلکه نوسازی گفتمان دینی از درون آن باشد؛ به‌گونه‌ای که بتواند میان نیازهای معنوی جوامع و تقویت ارزش‌هایی چون عقلانیت، مسئولیت فردی، برابری حقوقی و مفهوم دولت مدنی توازن برقرار کند.

میراث زرتشتی به‌مثابه بخشی از حافظه تمدنی منطقه

در این چارچوب، می‌توان با میراث زرتشتی نه به‌عنوان یک چارچوب اعتقادی جایگزین، بلکه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حافظه عمیق تمدنی خاورمیانه مواجه شد. این میراث می‌تواند به‌عنوان منبعی الهام‌بخش در حوزه اخلاق و اندیشه تلقی شود که یادآور این نکته است که ارزش‌هایی مانند تکثرگرایی، گشودگی و مسئولیت فردی، مفاهیمی کاملاً وارداتی از بیرون منطقه نیستند، بلکه ریشه‌هایی تاریخی در درون ساختار تمدنی خود آن دارند.

چنین رویکردی امکان بازسازی گفتمان اصلاح دینی را بر پایه تداوم تمدنی – و نه گسست فرهنگی – فراهم می‌سازد و از این رهگذر، قابلیت پذیرش اجتماعی آن را افزایش می‌دهد.

عناصر الهام‌بخش در خوانش انسانی زرتشتی‌گری

خوانش انسانی از سنت زرتشتی مجموعه‌ای از عناصر را ارائه می‌دهد که می‌توانند در فرآیند نوسازی گفتمان دینی معاصر مورد استفاده قرار گیرند. از مهم‌ترین این عناصر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تأکید بر محوریت اراده آزاد و مسئولیت اخلاقی فردی، همان‌گونه که در اصل اخلاقی شناخته‌شده‌ی «اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک» بیان شده است؛
 - تقویت پیوند میان ایمان و تفکر عقلانی، به‌گونه‌ای که امکان گسترش دامنه اجتهاد و تفسیر دینی فراهم شود؛
 - امکان حفظ هویت دینی بدون وابستگی نهادی ضروری به قدرت سیاسی؛
 - نبود نسبی ساختارمند تکفیر دینی نسبت به دیگران در تجربه زرتشتی در مقایسه با برخی زمینه‌های تاریخی متأخر در منطقه؛
 - وجود نمونه‌های تاریخی نسبتاً زود هنگام از مشارکت زنان در عرصه‌های دینی و اجتماعی؛
 - تداوم فرایند تفسیر دینی در طول تاریخ بدون گسست کامل از منابع بنیادین.
- این عناصر نه به‌عنوان الگوهای آماده برای اجرا، بلکه به‌عنوان منابع اخلاقی قابل استفاده در حمایت از روندهای اصلاح دینی معاصر قابل فهم‌اند.

یک بستر اخلاقی مشترک

از این منظر، زرتشتی‌گری می‌تواند به‌عنوان یکی از تجلیات اولیه یک نگرش اخلاقی در نظر گرفته شود که بر مسئولیت انسان در گسترش خیر در جهان تأکید دارد، نه بر نزاع برای انحصار حقیقت مطلق یا تملک تفسیر آن.

در برخی قرائت‌های تاریخی و فکری، این سنت همچنین می‌تواند بیانگر نوعی پیوند میان مشروعیت قدرت سیاسی و اصول عدالت و نظم اخلاقی باشد، نه صرفاً انحصار تفسیر دینی. چنین برداشتی با مفهوم دولت مدنی سازگار است؛ دولتی که به‌عنوان چارچوبی فراگیر برای همه شهروندان، فارغ از باور دینی، تعلق فرهنگی، قومیت یا هویت جنسیتی آنان عمل می‌کند.

تداوم تمدنی و امکان شکل‌دهی گفتمان اصلاحی جدید

بازخوانی میراث زرتشتی به‌عنوان بخشی از یک میراث تمدنی مشترک، و نه یک هویت انحصاری، می‌تواند به تقویت همگرایی فرهنگی در خاورمیانه کمک کند و اختلافات دینی و مذهبی را از سطح منازعه به سطح تنوع سازنده تمدنی ارتقا دهد.

در این چارچوب، اصطلاح «مسلمانان زرتشتی» باید نه به‌عنوان یک هویت دینی جدید، بلکه به‌مثابه یک تعبیر استعاری-تحلیلی در درون جریان‌های فکری اصلاح‌گرا در جهان اسلام معاصر فهم شود؛ جریانی که در پی الهام‌گیری از ابعاد عقلانی و انسانی میراث تمدنی منطقه است، بدون آنکه به ایجاد یک چارچوب اعتقادی جدید یا جایگزین منجر شود.

این رویکرد تلاشی است برای بازپیوند دادن گفتمان اصلاح دینی اسلامی با حافظه عمیق تمدنی آن، به گونه ای که توان تعامل سازنده با ارزش هایی چون تکرگرای، شهروندی و مسئولیت اخلاقی فردی را تقویت کند.

نتیجه گیری

خاورمیانه بیش از آنکه به دینی جدید نیاز داشته باشد، به روحی تازه در فهم دین نیازمند است. الهام گیری از ابعاد عقلانی و انسانی میراث تمدنی منطقه، از جمله سنت زرتشتی، می تواند به نوسازی گفتمان دینی از درون بستر فرهنگی بومی کمک کند. این مسیر می تواند از طریق:

- تقویت مسئولیت اخلاقی فردی
- حمایت از فرهنگ تکر و پذیرش تفاوت
- کاهش تنش های مذهبی و فرقه ای
- و تثبیت مفهوم دولت مدنی

نقشی مؤثر ایفا کند.

چنین رویکردی می تواند به شکل گیری گفتمانی دینی کمک کند که نه عامل واگرایی، بلکه عامل همگرایی اخلاقی در جوامع معاصر باشد و بتواند با چالش های جهان امروز به شکلی سازنده تر مواجه شود.

زرتشتی گری و هویت کردی: دین عامیانه و آگاهی تاریخی

مقدمه: یک چشم انداز کلی

اگر دین عامیانه بنیان را تشکیل دهد و آگاهی تاریخی نقش پل را ایفا کند، پس هدف نهایی چیست؟ هدف این نیست که همه کردها به زرتشتی گری دعوت شوند، نه احیای یک طبقه روحانی کهن، و نه ایجاد آیین های دینی جدید که بر همگان تحمیل شود. بلکه هدف رسیدن به کردستانی است که در آن روح فرهنگی از مرزهای سیاسی نیرومندتر باشد و آگاهی مشترک از تقسیمات جغرافیایی و سیاسی عمیق تر باشد.

زرتشتی گری و میراث فرهنگی کردی

زرتشتی گری را می توان به عنوان یکی از کهن ترین سنت های دینی و معنوی در نظر گرفت که بر برخی از عناصر فولکلور و فرهنگ نمادین کردی ردپاهای تاریخی بر جای گذاشته است. با وجود اینکه اکثریت کردها امروز خود را مسلمان معرفی می کنند، ردهایی از لایه های دینی پیشین از حوزه فرهنگی گسترده تر ایرانی همچنان در برخی سنت ها، آیین ها و بیان های نمادین باقی مانده است. این عناصر به صورت یک دین منسجم یا یک نظام اعتقادی زنده حفظ نشده اند، بلکه به عنوان بیان های فرهنگی و مردمی که در طول زمان بازسازی و بازتفسیر شده اند، ادامه یافته اند. در این معنا، می توان آن ها را بخشی از میراث تاریخی و فرهنگی عمیق تر دانست که در شکل گیری هویت، نمادها و سنت های کردی نقش داشته است.

این لایه‌ها همچنین می‌توانند به‌عنوان یک حافظه تاریخی زنده در فرهنگ عامه در نظر گرفته شوند. آن‌ها نماینده یک نظام دینی معاصر نیستند، بلکه میراثی در هم تنیده از نمادها، روایت‌ها و آیین‌ها هستند که همچنان بر بیان هویت، زندگی اجتماعی و جشن‌ها در بخش‌هایی از جامعه کردی تأثیر می‌گذارند. در این معنا، زرتشتی‌گری جایگزینی برای هویت‌های موجود نیست، بلکه دریچه‌ای برای درک لایه‌های عمیق تاریخی است که در شکل‌گیری فرهنگ کردی و حافظه جمعی آن نقش داشته‌اند.

دین عامیانه

دین عامیانه نظامی از باورها و کنش‌های دینی است که به‌صورت ارگانیک در یک جامعه انسانی شکل می‌گیرد و از طریق سنت‌های شفاهی، آیین‌ها و کنش‌های روزمره منتقل می‌شود، نه از طریق نهادهای رسمی دینی یا متون اعتقادی متمرکز.

ویژگی‌های دین عامیانه:

1. محلی و مرتبط با محیط: وابسته به مکان (کوه‌ها، رودخانه‌ها، طبیعت) و حافظه اسطوره‌ای جامعه است.
2. شفاهی و غیرنهادی: از طریق داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها و آیین‌ها منتقل می‌شود.
3. مرتبط با زندگی روزمره: به نیازهای فوری مانند درمان، معیشت، باروری و حفاظت می‌پردازد.
4. دارای ماهیت التقاطی: باورهای رسمی را با لایه‌های کهن، مردمی و جادویی ترکیب می‌کند.
5. تداوم تاریخی: بقایای باورهای باستانی را حفظ می‌کند که حافظه نانوشته ملت‌ها را شکل می‌دهند.

زرتشتی‌گری به‌عنوان دین عامیانه کردی

در این چارچوب، زرتشتی‌گری نباید صرفاً به‌عنوان یک دین سازمان‌یافته فهمیده شود، بلکه باید آن را یکی از لایه‌های کهن معنوی و فرهنگی دانست که بر فولکلور و سنت‌های کردی تأثیر گذاشته است. به‌جای آنکه امروز به‌صورت یک نظام اعتقادی یکپارچه وجود داشته باشد، نشانه‌های آن در نمادها، کنش‌ها و آیین‌های مردمی باقی مانده است.

در بسیاری از مناطق کردستان، می‌توان عناصری مرتبط با باورهای باستانی ایرانی مشاهده کرد، مانند احترام به طبیعت، نمادگرایی آتش و جشن‌هایی مانند نوروز. با گذشت زمان، این عناصر در زندگی روزمره و سنت‌ها ادغام شده و به بخشی از یک فرهنگ عامیانه گسترده‌تر تبدیل شده‌اند.

توصیف زرتشتی‌گری به‌عنوان دین عامیانه کردی به این معنا نیست که همه کردها دارای باورهای دینی یکسانی هستند، بلکه نشان‌دهنده وجود یک میراث فرهنگی و تاریخی مشترک است که در سنت‌های مردمی بیان می‌شود. در این معنا، این عناصر بخشی از حافظه فرهنگی جمعی هستند، نه یک نظام دینی یکپارچه.

زرتشتی‌گری و آگاهی مشترک کردی

این دیدگاه از نیاز به تقویت آگاهی مشترک کردی و احساس عمیق‌تر تعلق در میان کردها در تمامی بخش‌های کردستان آغاز می‌شود. با وجود ریشه‌های فرهنگی مشترک، واقعیت کنونی کردها با روایت‌های پراکنده و هویت‌های تقسیم‌شده در زمینه‌های سیاسی مختلف مشخص می‌شود. این رویکرد در پی بازکشف و فعال‌سازی لایه‌های عمیق فرهنگی و معنوی است که در طول تاریخ در شکل‌گیری آگاهی جمعی کردی نقش داشته‌اند. در این چارچوب، زرتشتی‌گری نه به‌عنوان یک آموزه دینی انحصاری، بلکه به‌عنوان نمادی از یک میراث فرهنگی و تاریخی مشترک مطرح می‌شود. تأکید بر بُعد آن به‌عنوان دین عامیانه است—یعنی سنت‌های زنده، آیین‌ها، نمادها و روایت‌هایی که نسل به نسل منتقل شده‌اند. هدف جایگزین کردن هویت‌های دینی موجود نیست، بلکه ایجاد یک چارچوب فرهنگی مشترک است که انسجام، تداوم تاریخی و هویت جمعی را تقویت کند.

دیدگاه کردی

بازخوانی مردم کرد از طریق مفهوم دین عامیانه و بازشناسی ریشه‌های معنوی آن، گامی اساسی در جهت ساختن آگاهی مشترک کردی و احساس یکپارچه تعلق در میان کردهای چهار بخش کردستان است. این فرایند محدود به ابعاد فرهنگی یا دینی نیست، بلکه پایه‌ای برای شکل‌گیری یک چشم‌انداز مشترک از یک سرزمین آزاد و فرهنگی است که تنوع و آزادی را در بر می‌گیرد و در عین حال مسئولیت جمعی در حفظ هویت و توسعه آینده را تقویت می‌کند.

زرتشتی‌گری در طبقه‌بندی ادیان

ادیان امروز را می‌توان به‌صورت زیر طبقه‌بندی کرد:

- ادیان دولتی، مانند عراق، سوریه و بریتانیا
- ادیان ملی، مانند اسرائیل
- ادیان عامیانه، مانند کردستان

رابطه میان دین عامیانه، آگاهی تاریخی مشترک و آگاهی ملی

کردها مردمی با ریشه‌های فرهنگی مشترک هستند، اما فاقد آگاهی تاریخی و ملی یکپارچه‌اند و بنابراین از یک گفتمان منسجم برخوردار نیستند. گفتمان کردی امروز به روایت‌های کردی-عراقی، کردی-سوری، کردی-ایرانی و کردی-ترکی تقسیم شده است. از اینجا این پرسش مطرح می‌شود: آیا بازسازی دین عامیانه مردم کرد می‌تواند به شکل‌گیری یک آگاهی ملی مشترک کمک کند؟ در بنیاد خود، این پرسش به رابطه دیالکتیکی میان دین، تاریخ و شکل‌گیری هویت جمعی می‌پردازد.

نخست: نقش دین عامیانه در شکل‌گیری آگاهی تاریخی مشترک

دین عامیانه (در مقابل گفتمان دینی رسمی یا نخبگانی) مجموعه‌ای از باورها، کنش‌ها، آیین‌ها و رسوم است که توسط مردم عادی پذیرفته می‌شود. این دین از طریق سازوکارهای زیر نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به آگاهی تاریخی ایفا می‌کند:

1. فراهم کردن یک چارچوب نمادین و اسطوره‌ای
روایت‌هایی درباره‌ی خاستگاه‌ها، معجزات، قهرمانان و اولیا ارائه می‌دهد. حتی اگر از نظر آکادمیک تاریخی نباشند، این روایت‌ها «زمانی مقدس» ایجاد می‌کنند که اعضای جامعه را در طول نسل‌ها به یکدیگر پیوند می‌دهد. داستان یک نبرد، معجزه‌ی یک قدیس یا یک سفر مقدس به بخشی از حافظه‌ی جمعی تبدیل می‌شود.

2. تجسم تاریخ در آیین‌ها و کنش‌های روزمره
از طریق جشن‌ها، فصول دینی، مراسم یادبود و زیارت‌ها، جامعه رویدادهای تاریخی یا دینی را بازآفرینی و یادآوری می‌کند. برای مثال، جشن کاوه‌آهنگر در نوروز، عاشورا در فرهنگ شیعی یا جشن‌های مولود، رویدادهای تاریخی را به تجربه‌های زیسته و تکرار شونده تبدیل می‌کنند که احساس تعلق به یک جامعه‌ی میان‌نسلی را تقویت می‌کند.

3. شکل‌دهی به اخلاق و ارزش‌های مشترک
دین عامیانه ارزش‌هایی مانند سخاوت، شجاعت، صبر و فداکاری را به‌عنوان فضایل نیاکان القا می‌کند. این امر احساسی ایجاد می‌کند که هویت کنونی ادامه‌ی اخلاق گذشته است و پیوند با آن را عمیق‌تر می‌سازد.

4. ایجاد زبان و نمادهای مشترک
از ضرب‌المثل‌ها، داستان‌ها، ترانه‌ها و نمادها (مانند خورشید یا آتش) استفاده می‌کند که به ابزارهای ارتباط و حافظه‌ی جمعی تبدیل می‌شوند. این نمادها در آگاهی عمومی حامل معانی تاریخی عمیق هستند.

نتیجه‌گیری: دین عامیانه صرفاً تاریخ را ثبت نمی‌کند، بلکه آن را زنده می‌کند و به بخشی از تجربه‌ی زیسته تبدیل می‌سازد و بدین‌وسیله آگاهی تاریخی عاطفی و مشترکی فراتر از روایت‌های رسمی ایجاد می‌کند.

دوم: نقش آگاهی تاریخی مشترک در شکل‌گیری آگاهی ملی

آگاهی ملی احساس تعلق به یک ملت با هویتی متمایز، سرنوشت مشترک و حق تعیین سرنوشت است. آگاهی تاریخی این فرایند را از طریق موارد زیر تغذیه می‌کند:

1. ساختن هویت «ما»
روایت‌های تاریخی مشترک مرزهای گروه را تعریف می‌کنند و مشخص می‌سازند چه کسی به ملت تعلق دارد.

2. ایجاد تداوم و سرنوشت مشترک
اعضای ملت خود را بخشی از یک زنجیره‌ی تاریخی می‌دانند که از گذشته به آینده امتداد دارد.

3. فراهم کردن مشروعیت برای هویت و موجودیت سیاسی
تداوم تاریخی با تمدن‌ها یا دولت‌های پیشین به هویت ملی مشروعیت می‌بخشد.

4. تبدیل سرزمین به میهن
تاریخ، جغرافیا را به فضایی معنادار سرشار از حافظه‌ی جمعی و اهمیت مقدس تبدیل می‌کند.

رابطه دیالکتیکی

دین عامیانه → آگاهی تاریخی مشترک را می‌سازد → آگاهی ملی را تغذیه می‌کند → که به‌نوبه خود دین عامیانه را بازشکل می‌دهد.

1. دین عامیانه حافظه نمادین ایجاد می‌کند.

2. این حافظه به آگاهی تاریخی مشترک تبدیل می‌شود.

3. پروژه‌های ملی‌گرای مدرن از این آگاهی برای ساختن هویت استفاده می‌کنند.

4. هویت ملی نمادهای مردمی را دوباره به‌کار می‌گیرد و تقویت می‌کند و بدین‌ترتیب آگاهی تاریخی را مجدداً تقویت می‌کند.

به‌طور خلاصه، دین عامیانه مخزن نمادین و عاطفی حافظه جمعی است. آگاهی تاریخی مشترک ساختار روایی است که آن را سازمان می‌دهد. آگاهی ملی چارچوب سیاسی و هویتی است که آن را به کنش جمعی و معنا تبدیل می‌کند و جغرافیا را به میهن بدل می‌سازد.

چرخه دیالکتیکی

دین عامیانه → آگاهی تاریخی را می‌سازد → آگاهی ملی را تغذیه می‌کند → دین عامیانه را بازشکل می‌دهد.

این یک نظام چرخه‌ای خودتقویت‌شونده است.